

قرابت‌های مضمونی خسرو و شیرین و رومئو و ژولیت

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱۲

احمد طحان*

لیلا جوادپور**

چکیده

در سپهر ادبیات جهان کم‌تر اثر عاشقانه‌ای را می‌توان یافت که بارای هم‌وردی با منظومه عاشقانه «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی را داشته باشد. شاید تنها اثری را که می‌توان با این شاهکار ادبی قیاس کرد، داستان عاشقانه تراژیک «رومئو و ژولیت»، سروده ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایشنامه‌نویس بی‌مثال ادبیات انگلیس باشد که سرشار از ظرایف و دقایق ادبی و غنایی است. این نوشتار بر آن است تا با خوانشی مقایسه‌ای، به بررسی محتوا و نحوه پردازش شخصیت‌های دو داستان مذکور بپردازد و شباهت‌های موجود در آن را آشکار سازد تا از این طریق پرتوی تازه بر زوایای مغفول مانده این دو اثر گران‌سنگ و جاوید بیفکند.

کلیدواژه‌ها: نظامی، شکسپیر، تراژدی، عشق، خسرو، شیرین، رومئو، ژولیت.

*. عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزآباد، فیروزآباد، ایران.

** دانش‌آموخته ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزآباد، فیروزآباد، ایران.

پیشگفتار

یکی از ستارگان پرفروغ ادب غنایی، حکیم نظامی است که در رأس سرایندگان مثنوی‌های عاشقانه و داستانی جای گرفته است. در میان شاهکارآفرینان ادب پارسی کمتر شاعری توانسته است مانند نظامی رشد و پرورش داستان و شخصیت‌هایش را همراه با زیبایی ظاهر و غنای معنا نشان دهد؛ به گونه‌ای که حلاوت و لطف جاذبه اثرش قرن‌ها حفظ شود. نظامی شعاع نبوغ خود را در این زمینه چنان بر گستره ادبیات پارسی تابانده که خطوط و زوایای آن را پرنور ساخته است. پر ارزش‌ترین حاصل عمر نظامی، پنج گنج اوست که همواره مورد ستایش شاعران و محققان بعد از خود بوده و همچون پنج ستاره تابناک بر آسمان ادبیات می‌درخشد. یکی از این پنج گنج زیبا که نظامی سروده منظومه بی‌نظیر «خسرو و شیرین» است. شکسپیر نیز ظرافت و جاذبه عشق را در پردازش داستان و سیمای قهرمانان خود چنان جلوه‌گر ساخته که آثاری دل‌انگیز و جذاب را به وجود آورده است. ویلیام شکسپیر به عنوان بزرگ‌ترین شاعر انگلیس و برجسته‌ترین شاعر دراماتیک دنیا شناخته شده، که اغلب او را «شاعر ملی انگلستان» و یا «شاعر باستانی» می‌خوانند (هریسن، ۱۹۷۴: ۸-۱۶). با جست‌وجو در ادبیات عاشقانه و تراژیک دنیا درمی‌یابیم که این اثر شباهت‌های بسیاری با داستان عشق «رومئو و ژولیت» سروده ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایشنامه‌نویس پرآوازه انگلستان دارد. خامه پرنغز او چنان این داستان شورانگیز را پرورده که امروزه نام رومئو و ژولیت در فرهنگ عامه تقریباً مترادف واژه «عاشق» است (هالی‌یو، ۱۹۹۸: ۹۶). این نوشتار بر آن است تا در پژوهشی تطبیقی، جلوه‌های هنر و ادب این دو شاعر بلندآوازه را مورد مطالعه قرار دهد تا از رهگذر این مطالعه و مقایسه، این امکان فراهم آید که با سیر تحول و تفکر، با اندیشه‌ها و جریان‌های فکری و ادبی آشنا شویم و ببیندیشیم که چگونه و چرا دو اثر ادبی بزرگ و ماندگار که قرن‌ها میان پیدایش آن‌ها فاصله بوده و هر کدام در سویی از این جهان پهناور به وجود آمده‌اند، می‌توانند این قدر به هم نزدیک

باشند. دو اثر «خسرو و شیرین» و «رومئو و ژولیت» به لحاظ درونمایه و پیرنگ بسیار به هم شباهت دارند؛ ضمن این که تشابهات شخصیتی این دو داستان نیز چشمگیر هستند. در آغاز به بررسی شباهت‌های زندگی این دو شاعر بزرگ می‌پردازیم.

شباهت‌های زندگی نظامی و شکسپیر

نکته قابل توجه این است که بین زندگی این دو ادیب فرزانه از دیدگاه‌های مختلف، شباهت‌ها و نقاط مشترک زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها را به اختصار ذکر می‌کنیم.

۱. علاقه به زادگاه

نظامی گنجوی در گنجه، که شهر نسبتاً کوچکی بوده، به دنیا می‌آید. همه عمر را در آن شهر زندگی می‌کند و همان جا هم از دنیا می‌رود. وی به جز سفر کوتاهی که به دعوت *قزل ارسلان* به یکی از نواحی اطراف گنجه می‌کند، بقیه عمر را در وطن خود باقی می‌ماند. شکسپیر نیز در شهر کوچکی به نام استراتفورد به دنیا می‌آید و مجبور می‌شود دوران جوانی خود را در لندن سپری کند؛ چرا که می‌خواهد در محیطی قرار بگیرد که با تئاتر و نمایش‌نامه درگیر باشد. با این حال پس از رسیدن به آرزوهایش در زمینه سرودن شعر و نمایش‌نامه، در سال‌های آخر عمر خود، بار دیگر به زادگاهش استراتفورد بازمی‌گردد و در همان جا هم دار فانی را وداع می‌گوید.

بنابراین، می‌بینیم که هیچ کدام از این دو شاعر بزرگ، جهانگرد و اهل سیر آفاق و انفس نبوده‌اند. هرچند شاهکارهای ادبی بی‌نظیر آن‌ها حاکی از تجربه‌های بسیار است و از پختگی و وارستگی شاعر خبر می‌دهد؛ با وجود این، هیچ یک از آن دو این تجارب و نکات دقیق و ظریف را از سیر و سفر به دست نیاورده‌اند و هر دو دلبستگی خاصی نسبت به زادگاه خود داشته‌اند و هر آنچه زاده ذهن آن‌هاست حاصل ذوق حکیمانه و ذهن

خلاق ایشان و تحت تأثیر مطالعه و تعمق آنان است.

۲. دوستان

هرچند نظامی گنجوی بخش عمده‌ای از زندگی خود را در عزلت سپری می‌کند؛ اما آنچه او را از این عزلت بیرون می‌آورد، ذوق تفرّج در کوه و صحرا و علاقه به هم‌صحبتی با دوستان صمیمی است. دوستان نظامی نیز مانند خودش با وجود جوانی از قیل و قال مدعیان عصر کناره گرفته بودند و از نظر اخلاقی با او تناسب و هماهنگی بسیار داشتند. نظامی با عام خلق هم فرصت مصاحبت طولانی داشت و استفاده بسیار از امثال و آداب و رسوم عامیانه در کلام او حاکی از آشنایی او با محافل عادی مردمی است (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۷-۱۶). شکسپیر نیز از سوی دیگر همچون نظامی دوستانی از سنخ خود و هم‌روحیه با خود دارد. دوستانی مانند بن جانسون و جان درایتون که تنهایی خود را با مصاحبت و معاشرت با آنها پر میکند و به علاوه زبان شکسپیر هم مانند زبان نظامی آکنده از زبان مردم عادی است. گفت‌وگوهای نمایش‌نامه‌هایی همچون «مکبث»، «هملت»، «اتللو» و امثال آن بخشی از صحبت‌های روزانه مردم را تشکیل می‌دهد (هلند، ۲۰۰۱: ۲۰۱).

۳. ارج نهادن به نهاد خانواده

نظامی انسانی وارسته و پایبند به اصول اخلاقی است که به همسران خود وفادار می‌ماند، به هر سه آنها عشق می‌ورزد و نسبت به ایشان احساسات لطیف و محبتی خاص دارد. او حتی در سرودن اشعارش از آنها الهام می‌گیرد که این را می‌توان از مثنوی‌های عاشقانه و مضامین دقیق و خیالات باریک وی دریافت. وی دو پسر دارد: پسر اول وی محمد، همواره مورد توجه و نگرانی اوست و به پسر دوم هم آن قدر علاقه دارد که وقتی وی در جوانی از دنیا می‌رود تا مدت‌ها شاعر را در غم و اندوه فرومی‌برد. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۱).

شکسپیر نیز همچون نظامی سال‌ها از زادگاه و همسر و سه فرزندش دور مانده است؛ ولی همواره به زندگی خانوادگی خود پایبند میماند و عشق به آن‌ها را در دل می‌پروراند. خانواده در ذهن این شاعر گران‌قدر آن قدر اهمیت دارد که در وصیت‌نامه‌اش حتی از آن‌ها که نسبت چندان نزدیک و درجه اولی هم با وی ندارند نام می‌برد. شکسپیر نیز همچون نظامی پسر خود (همنت) را در جوانی از دست میدهد و مرگ او، که مقارن با سرودن نمایش‌نامه «رومئو و ژولیت» است، در ذهن شاعر تأثیر عمیقی به جا می‌گذارد که برخی معتقدند او برای پردازش شخصیت رومئو، از پسر از دست رفته‌اش الهام گرفته است (گی‌بونز، ۱۹۸۰: ۱۱۴). البته نظامی هم شخصیت اصلی منظومه «خسرو و شیرین» را از همسر مرحومش آفاق الگو گرفته است.

۴. موقعیت اجتماعی

نظامی گنجوی در خانواده‌ای بزرگ شده که از نظر موقعیت اجتماعی در جامعه مطرح بوده‌اند. وی به خصوص از طرف مادری نژادی کُرد و اشراف‌گونه داشت؛ شکسپیر نیز در خانواده‌ای به دنیا می‌آید که پدرش، جان شکسپیر، از ملکه الیزابت نشان خانوادگی با عنوان نجیب‌زاده دریافت کرده است. بنابراین آن‌ها از نظر موقعیت اجتماعی پس از ملکه، اشراف و شوالیه‌ها قرار می‌گرفتند و مورد احترام عامه مردم بودند. بنابراین هم شکسپیر و هم نظامی در خانواده‌هایی تربیت شده و پرورش یافته‌اند که از لحاظ اجتماعی موقعیت قابل توجهی داشته‌اند.

۵. رفاه اقتصادی

نظامی گنجوی در دوران کودکی تحت حمایت اقتصادی خانواده بود و از آن جا که خانواده وی از نظر مالی بی‌نیاز بودند توانست بی‌آنکه نیازی به کار کردن داشته باشد

به کسب دانش و پرورش قریحه ادبی خود پردازد و پس از تشکیل خانواده نیز از دهش حاکمان روزگار بی بهره نبود؛ برای مثال *قزل ارسلان* روستایی به او می بخشید که درآمدی اندک داشت و زندگی شاعر را تأمین می کرد تا بتواند با فراغت خاطر، دقت و همت خود را صرف هنرش کند.

شکسپیر نیز هرگز مشکل مالی نداشت. خانواده وی دارای نشان نجیب‌زادگی بودند که این نشان به کسانی اعطا می شد که از نظر مالی بی نیاز بودند و حتی می توانستند به همسایگان خود نیز کمک مالی کنند. شکسپیر پس از ازدواج هم پیشرفت‌هایی می کند و وضعیت مالی وی روز به روز بهتر می شود. بنابراین هر دو شاعر از نظر اقتصادی در رفاه بودند و در طول دوران زندگی، خود و خانواده‌شان تحت فشار مالی نبودند.

۶. ارتباط با پادشاهان وقت

نظامی گنجوی زندگی ساده و بی پیرایه‌ای دارد. او خلاقیت هنری و ادبی‌اش را با خرد حکیمانه و وارستگی عارفانه در هم می آمیزد؛ هرگز جز از سر ناگزیری، زبان به ستایش پادشاهان نمی گشاید و خلوت شاعرانه‌اش را با دنیاداری معامله نمی کند؛ حاکمان روزگار نیز همیشه نسبت به او نظر خاص دارند و به او به دیده احترام و عزت می نگرند و او را مورد لطف و بخشش خود قرار می دهند. شکسپیر نیز همچون *نظامی* خود را به دربار وقت وابسته نمی کند و به تملق‌گویی تن در نمی دهد؛ حتی همواره به پادشاهان به دید انتقاد می نگرد. با این حال او همواره مورد عنایت *ملکه الیزابت* و *جیمز شاه اول* قرار داشته است.

۷. تأثیر و تأثر

هم *نظامی* و هم شکسپیر در پیمودن مراحل پیشرفت و پیدا کردن سبک خاص ادبی خود از شاعران، فلاسفه و آثار بزرگان دیگری تأثیر پذیرفته‌اند. برای نمونه *نظامی* از «شاهنامه»

فردوسی، «ویس و رامین» فخرالدین گرگانی، «کلیله و دمنه» بهرام شاهمی و چندین شاعر و اثر دیگر الهام گرفته است. همان طور که شکسپیر نیز در خلق آثارش از مارو، مارلو و اوید الهام گرفته و خواندن آثاری همچون «ویرژیل و سزار»، «پلوتوس و تنه رنس» بر ذهن او بی‌تأثیر نبوده است.

از سوی دیگر می‌توان گفت که هم شکسپیر و هم نظامی به گونه‌ای در ادبیات زمان خود نوآوری داشته‌اند. هرچند پیش از نظامی هم داستان‌سرایی رواج داشت؛ ولی او با سبک بی‌نظیر خود به گونه‌ای در این مسیر و نیز در ادبیات تمثیلی و سبک محاوره‌ای بدعت‌گذار بود و شکسپیر نیز به گونه‌ای فصلی نو را در نمایش‌نامه‌نویسی انگلستان آغاز کرد. از این رو، بعدها بسیاری از شاعران و نویسندگان سبک ادبی بعد از ایشان، آن دو را به عنوان الگو پذیرفتند؛ برای مثال طبق نظر محققان تاکنون بیش از دویست نفر به تقلید از نظامی، خمسه سروده‌اند (کریمی، ۱۳۸۷: ۵۸). از جمله شاعرانی که از نظامی تقلید کرده‌اند عبارتند از: امیرخسرو دهلوی، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عوفی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی، آذر بیگدلی، خواجوی کرمانی، هلالی جغتایی، مولانا هاشمی کرمانی، مولانا نویدی شیرازی (نوایی، ۱۳۸۰: ۵۴). همچنین بسیاری از نویسندگان و شاعران پس از شکسپیر همواره در تلاش بوده و هستند تا آثار خود را به سبک نگارش وی نزدیک کنند.

۸. آشنایی با فنون جنگ؛ تحت تأثیر وضعیت جامعه

هم کشور انگلستان در زمان حیات شکسپیر درگیر جنگ بود و هم گنجه، زادگاه نظامی. علی‌رغم روحیه لطیف و طبع آرامش‌طلب دو شاعر، هردو به گونه‌ای از جریان جنگ‌های داخلی و خارجی زمان خود تأثیر گرفته‌اند و این مسأله از بازتابی که جنگ بر برخی آثارشان داشته نمایان است. در برخی نمایش‌نامه‌های شکسپیر مانند «هملت»، «اتللو»، «هنری پنجم» و... با ظهور سربازان و جنگ‌جویان و راه و رسم و مراتب نظامی روبه‌رو می‌شویم

که زیبایی توصیف جزئیات این صحنه‌ها حاکی از آشنایی کامل شاعر به فنون جنگی، تحت تاثیر وضع نابسامان کشور است. در آثار نظامی نیز توصیف صحنه‌های سوارکاری، سلاح‌داری، نیزه‌داری و شمشیربازی از مهارت شاعر در به کار بردن اسلحه‌های زمانش و قدرت جنگیدن و دفاع شخصی خبر می‌دهد که لازمه زیستن در جامعه پر آشوب گنجه آن زمان است.

از سوی دیگر مسأله جنگ در موضع‌گیری که شکسپیر و نظامی نسبت به حاکمان جامعه خود می‌کنند نیز تأثیر داشته است. برای نمونه شکسپیر از جنگ‌ها، شورش‌ها، اعدام‌ها و توطئه‌های زمان *ملکه الیزابت رنج* می‌کشد و نیز وقتی می‌بیند در وضعیت ناآرام و نابسامان کشور، دربار *جیمز شاه اول* و دستگاه دیوانی وی غرق در عیش و نوش و رو به انحطاط است، در نمایش‌نامه‌هایش این نکته را القا می‌کند که زندگی درباری انگلستان در حال فساد است (لانی‌یر، ۲۰۰۷: ۱۴).

نظامی که از آشوب‌ها و درگیری‌های موجود در گنجه به شدت آزرده‌خاطر است، از *طغرل بن ارسلان* به خاطر این که توانسته قلمرو گنجه را از تجاوز دشمنان پاک سازد چنان شاد می‌شود که مدیحه‌ای برای او می‌سراید؛ از سوی دیگر همواره کسانی را که در صدر حکومت قرار دارند و به جای رفع آشوب‌ها به عیش و نوش پرداخته‌اند در اشعارش موعظه می‌کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۶-۲۵). این که نظامی و شکسپیر نسبت به امنیت کشور خود بی‌اعتنا نبوده و به این شکل واکنش نشان داده‌اند نشانه وطن‌پرستی و میهن‌دوستی آنان است.

تاریخچه داستان خسرو و شیرین

داستان «خسرو و شیرین»، به صورت افسانه‌وار، بخشی از تاریخ ایران بوده که مربوط به دوران پادشاهی پرویز است؛ زمانی که مقدمات تباهی کار ساسانیان و شکست ایران از

تازیان فراهم می‌شود. بنابراین زادهٔ ذهن نظامی نیست؛ بلکه سینه به سینه در طول دوران نقل شده تا به او رسیده است. بنابراین قبل از این که نظامی گنجوی این داستان را به رشتهٔ نظم درآورد داستان سراها و شاعران دیگری هم آن را نقل کرده بودند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فردوسی، شاعر بلندآوازهٔ ایران در «شاهنامه» و فخرالدین گرجانی در «ویس و رامین» اشاره کرد.

تاریخچهٔ داستان رومئو و ژولیت

شکسپیر را پدر نمایش‌نامه‌نویسی انگلیس می‌دانند. البته باید توجه داشت که وی همواره موضوع نمایش‌نامه‌هایش را از منابع دیگری به دست می‌آورد. او موضوع بسیاری از نمایش‌نامه‌های خود را از تاریخ رم باستان یا کتاب پلوتارک برگزیده است و به نیروی اندیشه و خیال آن‌ها را به صورت زیباترین تراژدی‌ها درآورده است (اسدزاده، ۱۳۵۲: ۵۹۸). در پاسخ به سوالی که در مورد ریشهٔ این دو داستان مطرح شد باید گفت همان طور که نظامی آفرینندهٔ داستان «خسرو و شیرین» نیست و از آثار پیشینیان هم برای خلق آن کمک گرفته است، شکسپیر نیز اصل داستان «رومئو و ژولیت» را برای اولین بار خلق نکرده بلکه این داستان هم قدمتی طولانی دارد.

قدیمی‌ترین نسخهٔ منظومهٔ «رومئو و ژولیت»، داستان «ماریتو و گیانوزا»^۱ نوشتهٔ ماسوشو سالرنیتانو^۲ است که در سال ۱۴۷۶ منتشر شده است (هوسلی، ۱۹۶۵: ۱۹۸). پس از آن شاعری به نام لویجی دیپورتو^۳ این داستان را با عنوان «ژولیتا و رومئو»^۴ بازسازی می‌کند و در مجموعهٔ داستان‌های تاریخی خود به نام «Novellamente Historia Nrtrovata Di Due Nobili Amanti»^۵ می‌گنجاند که در سال ۱۵۳۰ منتشر می‌شود. دیپورتو در واقع به «پیراموس و تیسبه»^۵ شکلی مدرن می‌بخشد.

1. Mariotto and Gianozza
3. Luigi da Porto
5. Pyramus and Thisbe

2. Masuccio Salernitano
4. Giulietta e Romeo

در سال ۱۵۵۴ *ماتیو باندلو*^۱ جلد دوم رمانش را منتشر می‌کند که شامل نسخه‌ی او از داستان «ژولیتا و رومئو» «*Giuletta e Romeo*» است. *باندلو* بر افسردگی درونی رومئو تأکید می‌کند و نیز بر اختلاف بین خانواده‌ها و شخصیت‌های پرستار و بن *ولیو* را معرفی می‌کند (مور، ۱۹۳۷: ۷-۲۷۰). در سال ۱۵۶۲ *آرتور بروک*^۲ در شعر روایی ۳۰۰۰ سطری به نام «سرگذشت غم‌انگیز رومئو و ژولیت»^۳ اثر *بایستوا* را با امانت‌داری کامل ترجمه می‌کند و به گونه‌ای آن را تنظیم می‌کند که بخش‌هایی از «*ترویلوس و کریسیدای*»^۴ *چاسر*^۵ را منعکس می‌کند (گی‌بونز، ۱۹۸۰: ۳۷).

در هر حال آنچه درباره این داستان مسلم است آن است که ماجرای آن یک جریان واقعی بوده که در ورونای ایتالیا روی داده است. هنوز هم ساختمان خانه *کاپولت* و حتی بالکنی که *ژولیت* از آنجا با رومئو نجوا می‌کرده پا بر جا است و یک مکان دیدنی برای دوست‌داران این داستان تاریخی و زیباست. عاشقان از سراسر دنیا به آنجا می‌روند و نامه‌ها و آرزوهای عاشقانه خود را به امید وصال، لای درزهای دیوار آن جای می‌دهند. البته پرواضح است که بررسی منبع، کمکی به درک نمایش نامه نمی‌کند؛ چراکه *شکسپیر* انگیزه‌هایی را که در منبع‌هایش بوده به سلیقه خود تغییر داده یا آن را به نوعی پیچیده کرده است. او تاریخ و اسطوره‌ها را متحول داده تا بتواند یک پیامد تراژیک بی‌نظیر را صورت بخشد (ابجدیان، ۱۳۸۳: ۲۴۷).

شباهت‌های مضمونی دو داستان

با نگاهی به طرح دو داستان به نزدیکی بسیار این دو اثر پی می‌بریم. برای نمونه:
- همان طور که خسرو و شیرین از نژاد شاهان عالی‌تبار هستند، رومئو و ژولیت هم از

1. Matteo Bandello
2. Arthur Brook
3. The Tragic History of Romeo and Juliet
4. Troilus and Criseyde
5. Chaucer

دو خاندان ثروتمند و سرشناس شهر پای می‌گیرند.

- شروع ماجراهای عاشقانه در هر دو داستان در یک لحظه صورت می‌گیرد. خسرو و شیرین در لحظه‌ای با شنیدن وصفی و دیدن تصویری دل می‌بازند و رومئو و ژولیت با نگاهی عاشق می‌شوند.

- در راه وصال هر دو گروه عاشق، چه خسرو و شیرین و چه رومئو و ژولیت مشکلات و موانع بسیار پیش می‌آید که روند داستان را شکل می‌دهد.

- هم خسرو و شیرین موفق به ازدواج می‌شوند و هم رومئو و ژولیت.

- همان‌طور که خسرو رقیب عشقی سرسختی همچون فرهاد دارد، رومئو نیز رقیب سخت‌کوشی چون پاریس دارد.

- خسرو رقیب خود فرهاد را با مکر و نیزنگ می‌کشد و از سر راه برمی‌دارد و رومئو هم به دست خود پاریس را می‌کشد.

- همان‌طور که شیرین رقیبانی چون مریم و شکر دارد و دست آخر اوست که فاتح قلب خسرو می‌شود، ژولیت هم با برتری خود موجب می‌شود رومئو عشق جانگداز رزالین را فراموش کند و عشق خود را تمام و کمال و تا پای جان نثار او کند.

- هر دو زوج برای رسیدن به خواسته‌هایشان و ایجاد ارتباط با یکدیگر، با حسن نیت و دوراندیشی، در راه به فرجام رساندن این عشق تلاش می‌کنند. شاپور دوست مشترک خسرو و شیرین و رابط عشق آن دو است و کشیش لارنس میانجی و رفیق درآشنای رومئو و ژولیت است.

- در طول هر داستان شش شخصیت می‌میرند: در داستان نظامی، با مرگ هرمنز (پدر خسرو)، مهین بانو (عمه شیرین)، فرهاد، مریم، خسرو و شیرین مواجه می‌شویم و در داستان شکسپیر؛ مرکوتیو (دوست رومئو)، تیبالت (پسرعموی ژولیت)، مادر رومئو، پاریس، رومئو و ژولیت.

- در هر دو داستان، دو نفر از شدت عشق زیاد و با تصور این که محبوب‌شان از دنیا رفته و چون بی او تمایلی به ادامه زندگی ندارند دست به خودکشی می‌زنند. در داستان نظامی، فرهاد و شیرین و در داستان شکسپیر، رومئو و ژولیت.

- در ترسیم سیمای قهرمانان عاشق، هم نظامی عشق خسرو را همراه با تغییر و تحول توصیف می‌کند و هم شکسپیر شخصیت رومئو را از طریق شناخت عشق واقعی متحول ساخته، از او قهرمانی پویا می‌سازد.

- شیرین و ژولیت هر دو به عشق خود وفادار هستند و سختی‌های راه عشق را برای رسیدن به آن تحمل می‌کنند. هرچند هر دو مورد محبت و توجه بسیار مردان دیگری چون فرهاد و پاریس قرار می‌گیرند، لیکن لحظه‌ای از اندیشیدن به عشق راستین خود دست بر نمی‌دارند و هر دوی آن‌ها را می‌توان قهرمان اصلی داستان در نظر گرفت. هم شیرین و هم ژولیت در نهایت به خاطر مرگ محبوب‌شان با خنجر سینه خود را می‌شکافتند و در کنار بیکر معشوق خود جان می‌سپارند.

- پایان هر دو داستان با مرگ دل‌خراش و فاجعه‌گونه قهرمانان، حالتی تراژیک و تکان‌دهنده دارد. در هر دو اثر، قهرمانان در اوج کشته می‌شوند و دفتر عشق پرسوز و گدازی که در طول داستان ورق می‌خورد، در صفحاً مرگ نابهنگام آن‌ها به شکل غم‌باری بسته می‌شود.

- هر دو داستان پیشینه تاریخی دارند. هنوز آثاری از بیستون و نقش برجسته‌هایی از ماجرای خسرو و شیرین در کوه‌های کرمانشاه دیده می‌شود. در ورونا هم هنوز بالکن خانه کاپولت میعادگاه عاشقان است و به عنوان یک مکان دیدنی و تاریخی مورد بازدید قرار می‌گیرد.

- درونمایه و موضوع هر دو داستان بیان عشق و رسیدن به وصال معشوق و به تبع آن فدکاری و ایثار قهرمانان در راه عشق و عاشقی است که از موضوع‌های جذاب و پرخواننده

ادبیات است.

معرفی شخصیت‌های معادل در دو داستان

۱. شیرین - ژولیت

این دو شخصیت از جنبه‌های مختلفی در این دو اثر به هم شباهت دارند از جمله: زیبایی، شاد بودن، عاشق شدن با یک نگاه، شرم و حیا، مهار کردن هوس و تاکید بر ازدواج رسمی، بی‌قراری در عشق، داشتن شخصیتی پویا و خودکشی به خاطر عشق.

۲. خسرو - رومئو

این دو شخصیت نیز از دیدگاه‌های مختلفی به هم شبیه هستند مانند: زیبایی، شادخواری و موسیقی‌دوستی، زبان لطیف عاشقانه، داشتن معشوقه‌های دیگر به جز شیرین و ژولیت، عاشق شدن در یک لحظه، خشونت و درگیری، پویایی شخصیت و نظایر آن.

۳. فرهاد - کنت پاریس

از جمله شباهت‌های موجود بین این دو شخصیت می‌توان به این موارد اشاره کرد: رقیب عشقی بودن برای قهرمانان مرد دو داستان، مرگ به دست قهرمانان مرد داستان، درگیری در عشقی یک جانبه و امثال آن.

۴. مریم، شکر - رزالین

از شباهت‌های موجود بین این سه شخصیت می‌توان به این موارد اشاره کرد: حضور در حاشیه داستان، رقیب عشقی بودن برای قهرمانان زن داستان و کمک به تجلی

بیشتر شخصیت اصلی زن داستان.

۵. شاپور - کشیش لارنس

این دو شخصیت نیز از جهاتی به هم نزدیک هستند؛ مثلاً: رابط بودن میان عاشق و معشوق، همدلی با آنان و نقشه‌پردازی برای رساندن عاشق و معشوق به همدیگر.

نتیجه

همان‌طور که می‌دانیم، ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی است که روابط ادبی ملت‌های مختلف را با هم مقایسه می‌کند و از انعکاس ادبیات ملتی در ملت دیگر سخن می‌گوید. به عبارتی، در بررسی تطبیقی، با مقایسه و کنار هم قرار دادن آثار ادبی خاص فرهنگ‌های مختلف، سعی می‌شود پرتوی تازه به زوایای پوشیده آن‌ها انداخته شود (بهبودیان، ۱۳۸۷: ۶۱ و ۵۲). در واقع، آنچه در ادبیات تطبیقی اهمیت دارد پژوهش درباره تلاقی ادبیات در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب در گذشته و حال و به طور کلی ارائه نقشی است که پیوندهای تاریخی در اثرپذیری یا اثرگذاری ادبی داشته‌اند؛ چه در سبک و چه از دیدگاه جریان‌های فکری (رادفر، ۱۳۸۶: ۸۵).

در مجموع تمام هدف و نیت این نوشتار نشان دادن همین تاثیر و تاثرات و نزدیکی و پیوندهای فراتاریخی و فرامرزی میان ملل مختلف بوده است. مشخص شد که نظامی گنجوی و ویلیام شکسپیر، دو شاعر مطرح و فرهیخته جهان ادبیات، در زندگی‌نامه خود شباهت‌های بسیاری با هم دارند و شرایط تقریباً یکسانی که در طی و طریق زندگی خود داشته‌اند، روحیات، دیدگاه‌ها، و احساسات به نسبت مشابهی را در ایشان موجب شده که در نگارش آثار جاودانشان کاملاً مشهود است.

در پاسخ به این سؤال اساسی که آیا نظامی گنجوی اولین سراینده قصه عشق «خسرو

و شیرین» بوده و آیا شکسپیر خالق داستان بی‌نظیر «رومئو و ژولیت» است یا خیر، به این نکته می‌رسیم که نه نظامی و نه شکسپیر هیچ یک خالق این داستان‌ها نبوده‌اند؛ بلکه در واقع این دو قصه، قدمتی طولانی داشته‌اند. «خسرو و شیرین» جزئی از تاریخ ایران بوده که به صورت افسانه درآمده، سینه به سینه نقل شده و به وسیله شاعران بسیاری در طول زمان بازآفرینی شده و هرکس به سلیقه خود آن را به نظم یا نثر کشیده است. داستان عشق «رومئو و ژولیت» هم در اصل پیشینه‌ای ایتالیایی داشته که زبان به زبان به گونه‌های مختلف نقل شده تا سرانجام، شکسپیر این قصه را به زبان انگلیسی سروده و آن طور که باید حق مطلب را در مورد آن ادا کرده است.

مقایسه داستانی این دو اثر ما را به این نتیجه می‌رساند که هر دو از نظر محتوای داستان و پی‌رنگ آن بسیار به هم شباهت دارند. برای نمونه هر دو عاشق، اشراف‌زاده و از خانواده‌ای ممتاز و برجسته هستند؛ در هر دو اثر، عشق در یک لحظه به وجود می‌آید؛ هر دو زوج در راه وصال با مشکلات بی‌پایانی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ هم برای عاشقان مرد داستان رقیبانی وجود دارد و هم برای عاشقان زن؛ هر دو قهرمان باعث مرگ رقیب عشقی خود می‌شوند؛ قهرمانان زن در هر دو داستان عفیف و خویشتن‌دار هستند؛ در هر دو داستان، شخصی نقش رابط و میانجی را بازی می‌کند که در اثر نظامی، شاپور و در اثر شکسپیر، لارنس است؛ در طول هر داستان شش نفر از دنیا می‌روند؛ در هر دو داستان دو مورد خودکشی عشقی وجود دارد؛ پایان هر دو داستان تراژیک است و در هر دو، عاشق و معشوق به طرز فاجعه‌آمیزی کشته می‌شوند؛ هر دو داستان پیشینه تاریخی دارند و هنوز آثار و بناهایی از آن‌ها در دنیا به جای مانده و قابل رویت است؛ درونمایه و موضوع هر دو داستان عشق است؛ طرح و پی‌رنگ هر دو داستان در زمینه وجود بحران و کشمکش، هیجان، اوج و گره‌گشایی یکسان است.

شخصیت‌ها در هر دو داستان با نهایت دقت و با رعایت استواری و اعتدال به تصویر

کشیده شده‌اند. شخصیت‌های اصلی در هر دو داستان، قهرمانان عشقی، یعنی خسرو و شیرین، رومئو و ژولیت هستند که تقریباً از آغاز تا انتهای داستان در حوادث و موقعیت‌های مختلف حضور فعال دارند و هر چهار نفر شخصیتی متحول و پویا دارند و شخصیت‌های دیگر در طول داستان معرفی می‌شوند. نظامی و شکسپیر برای ابلاغ اندیشه و پیام داستان، مخاطب را به حال خود رها نمی‌کنند؛ بلکه از طریق معرفی بی‌نظیر شخصیت‌ها و شناساندن الگوهای رفتاری آن‌ها، او را جذب ماجراهای داستان می‌کنند. برخی شخصیت‌ها در دو داستان نقش و عملکردی موازی و معادل دارند و تأثیری که بر روند داستان می‌گذارند بسیار به هم نزدیک است که از آن میان می‌توان به این شخصیت‌ها اشاره کرد: خسرو و رومئو، شیرین و ژولیت، فرهاد و کنت پاریس، مریم و شکر و رزالین، شاپور و کشیش لارنس.

به هر حال شباهت میان این دو اثر بسیار شگفت‌انگیز است؛ چراکه می‌دانیم چندین سده فاصله بین این دو شاعر وجود داشته و تفاوت فاحش فرهنگی و تاریخی میان آن‌ها بوده است و نیز آگاهییم که امکان مطالعه آثار پیر گنجه به دلیل نبود وسایل ارتباطی برای شکسپیر میسر نبوده است. بنابراین علت این امر، چیزی نیست جز گستردگی دامنه ادبیات در سطح جهان، علاقه انسان‌های مختلف با افکار، عقاید، فرهنگ‌ها و احساسات گوناگون به داستان و داستان‌پردازی، درک معنا و عکس‌العمل مشترک از مفاهیم پسندیده و نکوهیده همچون عشق، دوستی، فداکاری، صداقت، وفاداری، دروغ، نفرت، خیانت، مرگ و نظایر آن در همه جای دنیا و به وسیله انسان‌های گوناگون.

کتابنامه

- ابجدیان، امرالله. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات انگلیس. ج ۱. شیراز: دانشگاه شیراز.
اسدزاده، پرویز. (۱۳۵۲). فرهنگ دانش و هنر. تهران: اشرفی.
بهبودیان، شیرین و پالیزبان، ترانه. (۱۳۸۷). «جایگاه ادبیات تطبیقی در زبان و ادبیات فارسی». فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، شماره ۵.

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). «ادبیات معاصر فارسی در ترازوی ادبیات تطبیقی». فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال چهارم.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد*. تهران: سخن.

شکسپیر، ویلیام. (۱۳۸۲). *رومئو و ژولیت*. ترجمه علاءالدین بازارگاری. تهران: علمی و فرهنگی.

کرمی، محمدحسین. (۱۳۸۷). «نقش و جایگاه امیرخسرو در شعر فارسی»، مجله قند فارسی.

نظامی، الیاسبنیوسف. (۱۳۸۶). *خسرو و شیرین*. تصحیح حسن وحیددستگردی. تهران: قطره.

نوایی، عبدالحسین. (۱۳۸۰). *اثر آفرینان؛ زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران*. ج ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

هریسن، جی.بی. (۱۹۷۴). *آشنایی با شکسپیر*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: سروش.

Gibbons, Brian (ed). (1980). *Romeo and Juliet*. The Arden Shakespeare Second Series. London: Thomson Learning.

Halio, Jay (1998). *Romeo and Juliet: A Guido to The Play*. Westport: Greenwood Press.

Hosley, Richard (1965). *Romeo and Juliet*. New Haven: Yale University Press.

Lanier, Douglas (2007). *Shakespeare: Myth and Biographical Fiction*. Cambridge: Cambridge University Press.

Shakespeare, William (1992). *Romeo and Juliet*. London: Wards worth.